

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۷۶ - ۳۶۳

تحلیل آرایه‌های ادبی با مضامین اخلاقی در مختارنامه‌ی عطار نیشابوری

عقیل معصومی^۱

حیدر حسنلو^۲

تورج عقدایی^۳

حسین آریان^۴

چکیده

دیدگاه‌ها و سخنان اخلاقی عطار نیشابوری در نظم و نثر فارسی، ارزشمند و در خور تأمل و پژوهش بیش‌تر است. عطار در توجه دادن به اخلاق حسنه و انذار و نهی از رذیله‌ها دغدغه‌مند بوده است. مباحث اخلاقی و انسان‌ساز موجود در ادبیات تعلیمی و عرفانی در سرتاسر اشعار عطار بازگو می‌شود. مختارنامه، بنا بر تقسیم‌بندی عطار و مضمون‌های شعری و ترتیب مثنوی‌هایش، پنجاه باب است. عطار با بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی با مضامین اخلاقی توانسته که این آموزه‌های تعلیمی را به درستی منتقل کند. نگارنده‌ی این پژوهش به تحلیل آرایه‌های ادبی با مضامین اخلاقی در مختارنامه‌ی عطار نیشابوری پرداخت و با آوردن شواهدی از اشعار مختارنامه این امر را به مخاطب نشان داد. عطار از جزئیات اخلاق صوفیانه نیز رفتارهای تأمل برانگیزی چون گیاه‌خواری و قناعت به گرده‌ای نان را مدام گوشزد کرده است.

واژگان کلیدی

عطار نیشابوری، مختارنامه، مضامین اخلاقی، آرایه‌ی ادبی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
Email: Aghil.masoumi.1977@gmail.com

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: nastuh49@yahoo.com

۳. دانشیار بازنشسته، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
Email: Aghdaie@gmail.com

۴. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
Email: Arian.amir20@yahoo.com

طرح مسأله

یکی از درخشان‌ترین وجوه عرفان اسلامی-ایرانی، همزیستی و همدردی با توده‌ی مردم است. عارفان برجسته‌ی ایران‌زمین، سعادتمندی خود را در گرو سلامت ابنای بشر می‌دانسته، آمال و آرزوهای خود را برای نیل به آرمان‌شهر مورد نظرشان در قالب نقدهای مستقیم و غیرمستقیم بیان می‌کرده‌اند. یکی از این عرفای بزرگ، عطار نیشابوری است که در نقد سیاسی و اجتماعی، چهره‌ای ممتاز دارد. مثنوی‌های او پر از نقدهای تمثیلی تند و بی‌پروا نسبت به حکام و دیگر اقشار جامعه است.

دیدگاه‌ها و سخنان اخلاقی عطار نیشابوری در نظم و نثر فارسی، ارزشمند و در خور تأمل و پژوهش بیش‌تر است. عطار در توجه دادن به اخلاق حسنه و انذار و نهی از رذیله‌ها دغدغه‌مند بوده است. مباحث اخلاقی و انسان‌ساز موجود در ادبیات تعلیمی و عرفانی در سرتاسر اشعار عطار بازگو می‌شود. عطار به خوبی، ضمن روایت تمثیل عرفانی، از حکایت‌های تعلیمی و اندرزی و اخلاقی غفلت نورزیده و تا حد ممکن، جانب اخلاق و نکوداشت محاسن اخلاقی و دعوت بدان‌ها و نکوهش رذیله‌های اخلاقی و پرهیز و انذار از آن‌ها را پیش چشم داشته است.

مختارنامه، بنا بر تقسیم‌بندی عطار و مضمون‌های شعری و ترتیب مثنوی‌هایش، پنجاه باب است. او رباعی‌هایش را درباره‌ی توحید باری تعالی و در نعت سیدالمرسلین (ص) و در فضیلت صحابه و غیره جمع‌آوری کرده و خود را ملزم به داشتن اشعاری با این مضامین اخلاقی و عرفانی کرده است (محبّتی، ۱۳۹۷: ۱۷).

زمانه‌ای که عطار در آن می‌زیسته است، روزگاری بس آشفته و بی‌سامان گزارش شده است. جامعه‌ی ایران و به ویژه خراسان بزرگ، از اواسط قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم با نابسامانی‌های فراوانی دست و پنجه نرم می‌کرد، عطار با بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی با مضامین اخلاقی توانسته که این آموزه‌های تعلیمی را به درستی منتقل کند. نگارنده‌ی این پژوهش در نظر دارد که به تحلیل آرایه‌های ادبی با مضامین اخلاقی در مختارنامه‌ی عطار نیشابوری بپردازد و با آوردن شواهدی از اشعار مختارنامه این امر را به مخاطب نشان دهد.

پیشینه‌ی پژوهش

در مورد عطار نیشابوری پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته است که عبارتند از: جان‌پرور (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «نقد اجتماعی و سیاسی در مثنوی‌های عطار» به بررسی انواع نقد در آثار عطار پرداخته و معتقد است که نقدهای سیاسی و اجتماعی وی در بیداری جامعه نقشی اساسی داشته است. جعفری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود، نیز طنز را در مثنوی‌های عطار

بررسی کرده و در پایان به این نتیجه رسیده است که طنز در آثار عطار برای نقد مسائل: سیاسی، اجتماعی، صوفیانه و فلسفی به کار گرفته شده است؛ اما در هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق، آرایه‌های ادبی با مضامین اخلاقی در مختارنامه‌ی عطار نیشابوری مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است و این امر، جنبه‌ی نوینی از این پژوهش است.

۱. تعریف مفاهیم پژوهش

۱-۱. آرایه‌ی ادبی

«آرایه» در ادب فارسی یعنی هر چیزی که باعث زیبایی و آراسته شدن کلام شود. یعنی هر چیزی که بتواند واژه‌ها، جمله‌ها، عبارات و به طور کلی کلام ما را زیباتر و آراسته تر سازد؛ «آرایه» نامیده می‌شود. در واقع هدف ما در استفاده از «آرایه» در کلام، تنها زیباتر شدن کلام نیست؛ بلکه نکته مهم‌تر تأثیرگذاری بیشتر و ماندگاری بیشتر آن است. در زبان فارسی «آرایه‌ها» یا «صناعات ادبی» به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود:

۱. بیان

۲. بدیع.

۳. معانی (شمیسا، ۱۳۸۸: ۵۴).

۱-۲. شعر تعلیمی

شعر تعلیمی یکی از گسترده‌ترین انواع شعر و ادبیات فارسی است و بخش عمده‌ای از ادبیات ما را به خود اختصاص داده است. تعلیم در لغت به معنی «بیاموختن و بیگاهانیدن و کسی را چیزی آموختن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه) است و شعر تعلیمی آن است که هدف سراینده در سرودن آن آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های پسندیده‌ی مذهبی و عرفانی و امثال آن باشد (رزمجو، ۱۳۷۴: ۷۷). آنچه در ادب تعلیمی مطرح است، بیش‌تر مسائلی است که در حوزه‌ی دین و مذهب و اخلاق و فلسفه قرار دارد که با ویژگی‌های تخیلی و ادبی سروده شده باشد (تمیم‌داری، ۱۳۷۹: ۲۳۹).

در شعر تعلیمی محوریت با مخاطب یا «تو» است؛ تا آنجا که می‌توان آن را به یک معنا، شعر «مخاطب‌محور» نامید. در چنین شعری، احساسات و عواطف شاعر نیز در خدمت تعلیم و تربیت مخاطب یا «تو» قرار می‌گیرد (زرقانی، ۱۳۸۸: ۸۹).

در شعر تعلیمی، هدف آموختن است و تعلیم. حال اگر در خلال شعر تعلیمی، داستان یا وصفی مطرح شود که مایه‌های غنایی در آن جلوه کند، این‌ها اموری عارضی و ثانوی هستند. این وصف‌ها و این قصه‌ها، در خدمت مسأله‌ی دیگری هستند که آن آموختن و تعلیم است و بدین‌گونه است که خواننده «لذت شراب حقیقت را در جام‌های زیبایی و جمال» احساس

می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۵). به عقیده‌ی رزمجو «به طور کلی، دو نوع شعر تعلیمی در ادبیات ملل دیده می‌شود: نوعی که موضوع آن خیر و نیکی است و نوعی که موضوع آن حقیقت و زیبایی معنوی.

در ادب فارسی، شعر تعلیمی هر دو شاخه‌ی مزبور، دارای نمونه‌ها است و بخش عمده‌ای از ادب متعالی ما را شعر تعلیمی به وجود می‌آورد. چنان‌که شعر اغلب شاعران غیردرباری گذشته، سرشار از زمینه‌های تعلیمی است؛ حتی ادبیات درباری نیز در موارد بسیاری از مایه‌های تعلیم اخلاق برخوردار است. نوع دیگری از شعر تعلیمی در ادب ما وجود دارد که شاعران از آن در آموزش مسائل علوم مختلف استفاده کرده‌اند و از این رهگذر منظومه‌هایی در علوم پزشکی، ریاضیات، لغت و تاریخ به وجود آمده است» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۹۵).

از قرن ششم هجری، اشعار حکیمانه و وعظ و اندرز با نوعی دیگر؛ یعنی شعر اخلاقی و عرفانی آمیخته می‌شود؛ چنان‌که در آثار بعضی از شاعران جدا کردن عرفان و حکمت و پند از یکدیگر دشوار است. از میان آثار شاعران صوفیه آنچه به گذشته‌ی ادبی ایران ارتباط دارد لااقل شامل دو مقوله‌ی جداگانه است که عبارت است از: «شعر غنایی و شعر تعلیمی. در هر دو مقوله هم هر چند آثاری از بعضی قدمای صوفیه باقی است، کامل‌ترین نمونه‌ها در آثار سه تن از صوفیانخراسان - دسنایی، عطار و مولانا جلال‌الدین رومی - به وجود آمد؛ در شعر تعلیمی که آن را در قالب مثنویات عرضه کردند، و در شعر غنایی که صورت غزلیات و قلندریات آن‌ها را داشت (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۳۰).

به طور کلی می‌توان گفت: «شعرهای اخلاقی، مهم‌ترین نوع اشعار تعلیمی فارسی هستند که در بسیاری از موارد با عرفان توأمند (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۲۱۲). در مثنوی‌های عطار به ویژه مختارنامه نیز که جنبه‌ی تعلیمی دارند، شاعر در قالب حکایت‌ها و تمثیل‌های متنوع و گوناگون به تعلیم مسائل مختلف اخلاقیو عرفانی می‌پردازد.

اشعار تعلیمی عطار در مثنوی‌هایش، غالباً به صورت غیرمستقیم و از زبان اشخاص قصه‌ها است. شعر عرفانی علی‌رغم این‌که جزء ادبیات غنایی محسوب می‌شود، از بُعدی نیز می‌توان آن را شعر تعلیمی شمرد؛ زیرا «ادبیات صوفیانه غالباً جنبه‌ی تعلیم و تهذیب دارد» و صوفیه شعر را وسیله‌ای برای تعلیم مبادی و در عین حال تقریر حالات و ادراکات شخصی یافتند (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۳۰).

ادب تعلیمی با ظهور عرفان در شعر فارسی گسترش فراوانی یافت؛ به گونه‌ای که کمتر منظومه‌ی عرفانی است که فاقد مضامین ادب تعلیمی باشد. در حقیقت شعر عرفانی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن جنبه‌های تعلیمی آن بررسی کرد و آمیختگی این دو نوع به علت سرشت و هدفشان امری بدیهی است. شعر تعلیمی - عرفانی «بخش عظیمی از میراث ادب عرفانی ماست

که قصد نخستین شاعر در آن‌ها تعلیم همراه با لذت است» (زرقانی، ۱۳۸۸: ۹۶). اخلاق و تصوف و عرفان، مضمون عمده‌ی همه‌ی آثار عطار است و مثنوی‌های او همگی متضمن شعر تعلیمی صوفیانه هستند.

یکی از شاخه‌های اخلاقی که در اشعار عطار نیشابوری هم مطرح می‌شود، اخلاق فردی است که منظور از آن ارزش‌های اخلاقی مربوط به حیات فردی انسان‌ها است و آدمی به حکم انسانیت، موظف به انجام اموری است که وی را در راه رسیدن به سعادت و کمال یاری کند و او را به منتها درجه‌ی فضیلت برساند.

که منظور از اخلاق فردی، ارزش‌های اخلاقی مربوط به حیات فردی انسان‌ها است که آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می‌گیرد؛ مانند: فضیلت‌های صبر، توکل، اخلاص و رذیلت‌های پرخوری، سبک‌مغزی و شتاب‌زدگی. مراد از تدبیر منزل، نحوه‌ی اداره‌ی منزل و مشارکت مرد و زن، فرزندان، بندگان و خدمتکاران برای تنظیم امور منزل است و درباره‌ی سیاست مُدُن گفته‌اند: «مراد از این علم، تفکر و تدبیر در اوضاع و احوال جامعه‌ای است که مردم آن جهت بقای نوع و ترفیه حال یکدیگر ناچار از همکاری با هم‌اند» (ثروت، ۱۳۷۸: ۴۲).

عطار بیش‌ترین ابیات اندرزی و تعلیمی را به مباحث دینی و معادباوری و آخرت‌اندیشی اختصاص داده است. در نظر عطار- همچون تعالیم عرفان اسلامی و شعر عرفانی- نفس و دنیا سخت نکوهش شده‌اند و راه کمال در دین پناه بردن به قناعت و توجه به ذخیره‌ی اخروی است. برای حاکمان و امیران که بیش‌ترین حکایات درباره‌ی آن‌ها است و روی سخن با آن‌ها، رعایت عدل و عدالت و پرهیز از ظلم اساس فرمانروایی دانسته شده است.

عطار از جزئیات اخلاق صوفیانه نیز رفتارهای تأمل برانگیزی چون «گیاه‌خواری» و «قناعت به گرده‌ای نان» را مدام گوشزد کرده است. همچنین حسن خُلق و مهربانی و داشتن قدرت تحمل و بردباری و اعتدال در امور- به خصوص در اندرز و خطاب به حاکمان- را بسیار یادآوری کرده است.

۳-۱. زندگی عطار نیشابوری

در عصر عطار، قتل و خیانت و انواع فساد در دستگاه خوارزمشاهیان به اوج خود رسیده بود. بدتر از این، خیانت و همدستی ائمه‌ی دین و عمال شرع بود که با خوارزمشاهیان دیوسرشت در انواع پلیدکاری، همکاری می‌کردند و به نام دین حتی امور شرعی از قضا و تدریس و تولیت و نظر و اوقاف را هم به اقطاع می‌دادند (صفا، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۰۷).

علاوه بر همه‌ی این‌ها، نزاع‌های دینی بود که بر اثر تعصبات جاهلانه‌ی فرقه‌ای و عقیدتی در می‌گرفت و به وسیله‌ی سردمداران حکومت به منظور سرکوب مخالفان تشدید هم می‌شد.

این نزاع‌ها به محلات مختلف نیشابور هم سرایت می‌کرد؛ به این صورت که مردم محلات مختلف نیشابور که به دلیل اختلافات مذهبی، نسبت به هم کینه داشتند، شبانه آتش در محلات مخالفین می‌زدند.

فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری یکی از عارفان، صوفیان و شاعران ایرانی سترگ و بلندنام ادبیات فارسی در پایان سده‌ی ششم هجری و آغاز سده‌ی هفتم هجری است. او در سال ۵۴۰ هجری برابر با ۱۱۴۶ میلادی در نیشابور زاده شد و در سال ۶۱۸ هجری به هنگام حمله‌ی مغول به قتل رسید. عطار در انتخاب واژگان مناسب و ترکیبات خاص، ابداع معانی تازه و مضامین جذاب، توصیف جزئیات و به کار بردن تشبیهات و استعارات نو و مطبوع بی‌نظیر است.

شیخ فریدالدین محمد عطار با خانواده‌اش که اسم و آوازه‌ای داشتند، در این دوران پرآشوب در شادیاخ نیشابور روزگار می‌گذرانید. خاندان او اهل علم و ادب بودند. پدر وی علاوه بر حشر و نشر و معاشرت با صوفیان زمانه و دغدغه‌های دینی و عرفانی، دارو فروش (عطار) بوده است. وجود عطار خالی از درد اجتماعی نیست. شاهد این ادعا انبوه حکایت است که در آثارش چهره‌ی واقعی روزگار او را تصویر می‌کند. وی از جمله عارفانی است که در متن مردم زیسته و مرده، گوشه‌نشین و در عزلت نبوده است.

مختارنامه، از مثنوی‌های دلپذیر و کمابیش کوتاه عارف صاحب‌دل، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری است که همچون دیگر مثنوی‌های او به تقبیح و تحقیر علایق دنیوی و تحسین امور معنوی و ترغیب آدمی به کوشش‌های جان‌فرسا در پیمودن راه وصول یا «فناء فی‌الله» می‌پردازد.

۴-۱. آثار عطار نیشابوری

عطار نیشابوری از نادر کسانی است که آثار متعدد داشته و تذکره‌نویسان نیز در بیان آثار او مبالغه کرده‌اند تا آنجا که برخی تذکره‌ها بدون ذکر نام، عدد آثار عطار را به ۱۱۴ یعنی به شمار سوره‌های قرآن کریم رسانده‌اند. عطار مردی پرکار و فعال بود و چه هنگام اشتغال به کار عطاری و چه در دوره‌ی اعتزال و گوشه‌گیری که گویا در اواخر عمر دست داده بود، به نظم مثنوی‌های بسیار و پدید آوردن دیوان غزلیات و قصائد و رباعیات خود و تألیف تذکره‌الاولیاء سرگرم بود. دولتشاه درباره‌ی آثار او می‌گوید: «و شیخ را دیوان اشعار بعد از کتب مثنوی چهل هزار بیت باشد، از آن جمله دوازده هزار رباعی گفته و از کتب طریقت، تذکره‌الاولیاء نوشته و رسایل دیگر به شیخ منصوب است، مثل اخوان‌الصفاء و از نظم آنچه مشهور است: بلبل‌نامه، حیدرنامه، شترنامه، مختارنامه، شاهنامه دوازده کتاب نظم است و می‌گویند چهل رساله نظم کرده و پرداخته؛ اما نسخ دیگر متروک و مجهول است و قصاید و غزلیات و مقطعات شیخ با رباعیات و کتب مثنوی صد

هزار بیت بیش‌تر است» (صفا، ۱۳۶۶: ۲۲۳).

۱-۴-۱. مختارنامه

عطار یکی از شاعرانی است که به سرودن رباعیات استوار و عمیق عارفانه و متفکرانه مشهور بوده است. دکتر شفیع کدکنی معتقد است هیچ شاعری به اندازه‌ی عطار، رباعی خوب نداشته است. به بیان وی تنوع مضامین و وسعت دامنه‌ی کمی رباعیات عطار، امری است که باید بدان توجه کرد. اما این اثر متأسفانه در میان آثار عرفانی و از جمله خود مجموعه‌ی عطار ناشناخته است. رباعیات وی گاهی با رباعیات خیام، او بسیار نزدیک شده و همین امر سبب گردیده است که بسیاری از آن‌ها را بعدها به خیام نسبت دهند و در مجموعه‌ی ترانه‌های وی به ثبت برسانند (کیایی، ۱۳۹۵: ۳۶).

مختارنامه مجموعه‌ی رباعیات عطار است که خود آن‌ها را در این کتاب و به همین نام جمع کرده و در پنجاه باب مرتب ساخته است. قالب رباعی از مردم پیدا شد و مردم سخت شیفته‌ی این قالب بودند. چنان که شمس قیس رازی می‌گوید: خاص و عام مفتون این نوع شده‌اند. عالم و عامی مشعوف این شعر گشته، زاهد و فاسق را در آن نصیب، صالح و صالح را بدان رغبت» (شمس قیس رازی، ۱۳۵۷: ۱۱۴).

همچنین با مذاقه در قالب رباعی این طور به نظر می‌رسد که مضامین این قالب شعری، بیش‌تر برای بیان معانی فلسفی بوده است و می‌توان گفت که «رباعی در ادبیات فارسی برای دو نوع مضمون تشخیص یافته است: نخست مضامین عرفانی، دوم مضامین فلسفی» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۵۰).

عطار نیشابوری در کتاب‌های مختلف خود و به ویژه در مختارنامه «موفق به تدوین یک نظام نمادین منسجم شد و از رهگذر همین نظام نمادین در میان شاعران عارف به سبک یگانه دست یافت. مختارنامه هر بایی را به یک موضوع اختصاص داده است. در هر کدام از این باب‌ها یک پدیده را در کانون خود می‌نهد و در چندین رباعی، چندان دامنه‌ی مضمون سازی و وصف را می‌گستراند که آن پدیده به یک رمز عمیق بدل می‌شود (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۴۳).

در واقع، مختارنامه مجموعه‌ای از رباعیات عطار است که شامل دو هزار و سیصد رباعی است و شاعر مقدمه‌ای نیز به نثر در آغاز آن نگاشته است و گفته شده که به دلیل حجم بسیار رباعیات عطار آن‌ها را جدا از دیوان خود تدوین کرده و به نام مختارنامه نشر داده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۳۶). علاوه بر مختارنامه، نام اختیارنامه را نیز بر کتاب مذکور ضبط کرده‌اند و بیان شده که عطار این رباعی‌ها را به دعوت برخی از دوستان سروده و در آغاز شش هزار بیت بوده؛ اما شاعر قریب به هزار بیت از آن را از میان برده است (نفیسی، ۱۳۲۰: ۱۲۴).

همان‌طور که ذکر شد عطار یکی از پرکارترین شاعران ایراندر دوره‌ی خود می‌باشد و تسلط و چیرگی وی نسبت به انواع فنون و قالب شعری، او را شاعری مسلط و فراگیر معرفی می‌کند. نیز رباعی‌های این شاعر عارف را به دلیل وجود ایجاز در لفظ و معنا یکی از قالب‌های شعری فنی دانسته‌اند که عطار این نوع قالب شعری را به گونه‌ای ممتاز و با چیره‌دستی نگاشته و در حافظه‌ی تاریخی ماندگار کرده است.

لازم به ذکر است که عطار تجربه‌های روحی خود را در مختارنامه بیش‌تر از سایر آثار خویش نمودار کرده است و این تجربه‌های عرفانی، اضطراب عارف، حالات درونی و شوق و اشتیاق و همچنین حیرت شاعر به حدی است که قابل بحث نیست و در واژه‌ها نمی‌گنجد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۳).

۲. تحلیل آرایه‌های ادبی با مضامین اخلاقی در مختارنامه‌ی عطار نیشابوری

عطار در آثار خود تصویری آرمانی از نوع بشر ارائه داده است. او با تبیین آموزه‌های تعلیمی و عرفانی از طرق مختلف، موفق به ترسیم انسانی کامل و برتر شده و مخاطبان عام و خاص خود را برای رسیدن به آن مرتبه‌ی بشری ترغیب نموده است. «وی به تبعیت از عرفان نظری، انسان کامل را آیینی‌حق می‌داند که هر زیبایی در وجود او، عکس آن جمال مطلق است» (حجازی، ۱۳۹۰: ۱۷).

حال که این‌گونه است، آیینی‌دل انسان باید از زنگار و غبار زدوده شود تا بتواند در اوج صفا و خلوص، واردات غیبی و انفاس رحمانی را به خود جذب کند و محل هبوط انوار الهی شود. عطار معتقد است که با نهادینه شدن اخلاقیات در سرشت آدمی، او به چنین مرتبه‌ای می‌رسد. با همین نگاه، پیوند میان شعر عرفانی و ادبیات تعلیمی بیش‌تر و نزدیک‌تر است؛ عرفان و اخلاق عملی وجوه مشترکی دارند؛ دستیابی به حقیقت و تهذیب نفس جز از طریق اخلاق‌مداری میسر نیست. به همین دلیل، اساس شعر عرفانی بر اخلاق و بیان پند و نصیحت بنا شده است. چیستی ادبیات تعلیمی و اخلاقی متوجه تربیت و تعالی روحی و رفتاری انسان است. «ادبیات تعلیمی، اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد، البته ادبی بودن اثر تعلیمی مقول بالتشکیک است؛ یعنی در آثاری، عناصر و مایه‌های ادبی کمتر و در آثاری بیش‌تر است» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۴۷). ادبیات تعلیمی ادبیاتی است که نیک‌بختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند. عطار راه دستیابی به عرفان را در سایه‌ی انسانیت و رعایت اخلاق فردی و جمعی می‌داند. هم به حاکمان در طی اشعار عدل و انصاف و بخشش و مردم‌داری را اندرز و تعلیم می‌دهد و هم به مردم و مخاطبان

عمومی خویش پند می‌دهد.

جناس معمولی‌ترین آرایه‌ی ادبی برای شعر کلاسیک به حساب می‌آید و برای شاعران استفاده از انواع روش تجنیس، زمانی می‌تواند محل آفرینش باشد که حرف تازه‌ای در بر داشته باشد یا حامل کارکردی فراتر از لفظ و صنعت ادبی باشد تا در محور همنشینی سبب خلاقیت و تازگی و تأثیرگذاری شود. در کتب حوزه‌ی علم بدیع، تعریف جناس و انواع آن با ذکر شاهد مثال‌هایی باز نموده و بررسی شده است. شمیسا روش تجنیس یا هم‌جنس‌سازی را مبتنی بر نزدیکی هرچه بیش‌تر واک‌ها می‌داند؛ آن‌گونه که کلمات، هم‌جنس به نظر آیند یا هم‌جنس بودن آن‌ها به ذهن متبادر شود (شمیسا، ۱۳۸۸: ۴۹) و فشارکی نیز انواع جناس را شبیه روش شمیسا بررسی کرده است (فشارکی، ۱۳۹۸: ۴۶-۱۹).

آنچه به توجه و دقت نظر بیش‌تری نیاز دارد، طرز استعمال روش تجنیس در شعر هر شاعری است؛ بی‌شک شاعران صاحب سبک شخصی، بیش‌تر به نوآوری و توجه به جهت‌دهی فنون بلاغی برای انتقال معنای مدنظرشان پرداخته‌اند. بر اساس روش یاکوبسن در نقد ساختارگرایی، توصیف عناصر ساختاری شعر در سه سطح آوایی، واژگانی (محور تداعی: جانشینی) و نحوی (محور همنشینی) رخ می‌دهد. در سطح آوایی درباره‌ی موسیقی حروف، وزن، تکرار واژه‌ها، تکرار همخوان‌ها، واژه‌ها و نشان دادن ارتباط عناصر آوایی و موسیقایی و معنای سخن گفته می‌شود (علوی مقدم، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

عطار ضمن به کار بستن علوم بلاغی و به خصوص موارد موجود در علم بدیع (لفظی و معنوی) به خلاقیت‌هایی در ساخت جناس دست یافته است. برای عطار ساختن صرف «جناس» میان دو یا چند کلمه ملاک نیست، بلکه وی به کارکرد این عنصر بلاغی توجه دارد تا بتواند به تأثیرگذاری هر چه بیش‌تر سخن خویش در ابیات دست یابد و نشانه‌معناهای دستگاه فکری خود را بهتر نشان دهد. در بیت زیر، عطار لازمه‌ی دستیابی به مقام «قرب» را جز از طریق «قربان» شدن مقدور و میسر می‌داند؛ قرب و قربان برای عطار در بیت زیر فقط «جناس مذیل» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۴) نیست؛ بلکه فراتر از این آرایه‌ی متعلق به لفظ، به کارکردهای هنری و ابلاغ پیام این نوع جناس توجه دارد:

یقین می‌دان که جان در پیش جانان نیابد قرب تا قربان نگردد

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

در بیت زیر نیز به زیبایی تمام لازمه‌ی دستیابی به بقا و لقا را نیستی دانسته است و با «جناس لاحق» میان «لقا» و «بقا» معنی مدنظر را بهتر القا کرده است (نک. فشارکی، ۱۳۹۸: ۳۲).

هستی تو بند تست نیستی‌ای برگزین زانکه لقا رو بیست تا به بقا مانده‌ای
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۶۰۶).

خویشتن را می‌کش و می‌کش بلا زانکه نفس کشتنی داری هنوز
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۳۴۱).
می‌کش و می‌کش در بیت بالا نیز در خدمت انتقال معنای عرفانی قرار گرفته است. مقوله‌ی مؤلفه‌های معنایی «نیستی و محو» در اشعار عطار آن چنان گسترده است که شعر عطار را باید شعر فنامحور و نیستی‌طلبی و مرگ‌مشتاقی و مرگ پیش از مرگ دانست (نک. رضایی، ۱۳۹۹: ۲۰-۱).

بخش دیگری از تداعی در زبان و واژگان، مربوط به تداعی آوایی است؛ به این طریق که یک واحد واژگانی به لحاظ همانندی آوایی سبب تداعی واحدهای واژگانی دیگر خواهد شد. در این زمینه، تداعی واحدهایی نظیر: «گل» با «مُل»، «می» با «نی» وجود دارد. واحد واژگانی برحسب تشابه‌های مختلف، به با هم آبی متداعی آوایی واحدهای واژگانی متعددی بینجامد. در همین زمینه در شعر عطار «لقا و بقا» و حتی خود لفظ «فنا» با «بقا» و صورت دیگر آن‌ها «فانی» و «باقی» دارای چنین هدفی هستند. در بیت زیر عطار واج و آوای «ف/فا» را با گاهی برای تداعی‌بخشی و القای مفهوم فنا به کار بسته است:

چون فرورفتم به دریای فنا در فنا در فراوان یافتم
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۱۶۱).
در بیت زیر نیز با استفاده از شگرد بدیعی «جناس زاید» (نک. فشارکی، ۱۳۸۹: ۲۱) موضوع اخلاقی و عرفانی را ابلاغ کرده است. اگر می‌خواهی به «بالا» و اعلا بروی، باید «لا» شوی:
لا شو اگر عزم می‌کنی ت به بالا زانکه چنین عزم جز به لا نتوان کرد
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

بنابراین، سبک به کار بستن جناس‌های مختلف در شعر عطار در راستای تفکرات عرفانی نشان می‌دهد، جناس چیزی فراتر از یک عنصر صرفاً بدیع لفظی است. جناس کارکردهای مختلفی دارد و می‌تواند ابزار ایجاد فنون دیگری نیز باشد «اساس اسلوب حکیم بر جناس تام است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۲) و از برخی انواع آن می‌توان در لغز و تعمیه نیز استفاده کرد. کارکردهای مختلف جناس روشن می‌سازد که زیبایی جناس تنها در بُعد موسیقایی آن نیست؛ چرا که اساساً صورت و معنی رابطه‌ای متقابل دارند و گاه مرز قاطعی میان لفظی و یا معنوی بودن آرایه‌های ادبی نمی‌توان یافت. در بسیاری از کتاب‌های مشهور بلاغت فارسی نظیر «ترجمان البلاغه»، «حدائق السحر»، «المعجم» «ابدع البدایع» و غیره تقسیم‌بندی فنون ادبی به

شکل لفظی و معنوی نیست و برخی حتی معتقدند که تمییز میان لفظی و معنوی بودن صنایع منوط به ذوق است. نمونه‌های بسیار زیادی از این شگرد عطار از جناس آفرینی در خدمت مفاهیم اخلاقی و عرفانی را می‌توان در دیوان این شاعر ارجمند یافت:

بیا گو یک نفس در حلقه‌ی ما کسی کز عشق در حلقش کمندست
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۴۲).

مرا از جان گریزست ار بگویم که یک ساعت از آن دلبر گزیرست
(همان: ۵۰).

هر دو عالم چیست رو نعلین بیرون کن ز پای تا رسی آنجا که آنجا نام و نور و نار نیست
(همان: ۸۳)

ناپدید از فرع شو، در هر چه پیوستی ببر تا پدید آرنده‌ی اصل عیان آید پدید
(همان: ۳۰۲).

لاشه‌ی دل را ز عشق بار گران برنهاد فانی و لاشیء گشت یار هویداش شد
(همان: ۲۰۰)

در تمام ابیات بالا، جناس‌های مختلف همراه با مباحث عرفانی موجود در بیت قرار گرفته‌اند. برای مثال جناس میان گریز و گزیر که برای عطار کلیشه می‌بوده است، در راستای «از جان گریز بودن» قرار می‌دهد تا مفهوم و مقوله‌ی «گریختن از جان و جان را نیست فرض کردن» در طریقت را بهتر بازگو کند. همین‌طور در بیت آخر در جناس میان «لاشه/لاشی» هدف عطار هم‌سوسازی این جناس با «فانی شدن» مدنظر بوده است.

از جمله کارکردهای صور خیال در شعر فارسی به کار بردن چندین آرایه‌ی مهم بیانی و بدیعی در یک بیت است؛ این روش و طرز در برهه‌هایی از شعر فارسی و نزد شاعرانی چند گسترش و استفاده‌ی فراوانی یافته است، به عنوان نمونه عطار در این بیت از جناس تام به این شکل بهره می‌برد:

چون پرده برانداختی از روی چو خورشید هر جا که وجودی است از آن روی عدم شد
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

در این بیت ایهام، تضاد و تقابل، جناس (به خدا: ۱. به خدا قسم، ۲. به سمت خدا)؛ مشاهده می‌شود:

فانی شو از این هستی، ای دوست بقا این است زان راه هوا تا کی؟ راحت به خدا این است
(همان: ۶۹).

بنابراین چنان‌که این ابیات نشان می‌دهد، همّت عطار نیشابوری بر این مقصود بوده است که میان بلاغت و مفاهیم اخلاقی و عرفانی پیوند ظریف و هنری برقرار سازد. این پیوند سبب موسیقایی‌تر شدن ابیات و رعایت اصل رسانگی و انتقال مفهوم و فکر مدنظر شاعر شده است. اصلی‌ترین تفکر عطار، عشق به وصال محبوب ازلی است و مشتاقی برای «نیست شدن» و به «هست» حقیقی رسیدن است. وجود برای عطار باید «دم به دم» معنای تازه داشته باشد؛ و گرنه این هستی موهوم، عدمی همیشگی است.

با مطالعه‌ی اشعار عطار نیشابوری از منظر علوم بلاغی در مختارنامه، می‌توان به این نکته دست یافت که عطار از فنون بلاغی و صناعات ادبی صرفاً برای آرایش لفظ و آفرینش زیبایی سخن استفاده نکرده است؛ استفاده از آرایه‌های ادبی به ویژه جناس در مسیر بیان و انتقال هنری مفاهیم اخلاقی و عرفانی، خصوصیت سبک‌شناختی صور خیال و بلاغت در اشعار عطار است. این شاعر در صور خیال و به خصوص بدیع لفظی و معنوی اشعار عطار، در بخش انتقال مفاهیم اخلاقی و عرفانی خاص جهان‌بینی عطار، نوآوری و سبک شخصی شاعر را رقم زده است و از کلیشه‌گویی و تقلید و تکرار دور شده است. عطار تعمداً فنون بلاغی و ادبی را برای برجست‌ترین مفاهیم و مقوله‌های طریقت و سلوک خویش به کار برده است و از کمترین امکان مباحث بیان و بدیع به بهترین شکل استفاده‌ی هنری و غیرتقلیدی کرده است.

در اشعار عطار نیز اخلاق و عرفان به یکدیگر آمیخته‌اند و در پاره‌ای اساساً به صورت واحدی درآمده‌اند و تفکیک آن‌ها از یکدیگر غیرممکن است. بازکاوی اشعار عطار می‌تواند پاسخ‌گوی مشکلات و بحران‌های انسان مدرن باشد. او مخاطب را به حرکت فرا می‌خواند و از او می‌خواهد که با «شدن»‌های پیاپی، رفتن به سوی کمال مطلق را آغاز کند. آنچه برای حل مشکلات و معضلات انسان معاصر بایسته است، عطار با هوش و فراست در طبله‌ی خود گرد آورده و به مشتاقان خود ارزانی می‌دارد.

اما در برخی از اشعار او علی‌رغم این‌که ویژگی تعلیمی دارند و در آن‌ها به موعظه و نصایح اخلاقی پرداخته؛ زمینه‌ی معنایی آن‌ها لزوماً در تسخیر مضامین عرفانی نیست. این‌گونه اشعار را در شمار نوعی به نام «وعظی - اخلاقی» می‌کنجانبیم که در واقع زیرشاخه‌ای از نوع تعلیمی است.

نتیجه‌گیری

حسن خُلق و مهربانی و داشتن قدرت تحمل و بردباری و اعتدال در امور - به خصوص در اندرز و خطاب به حاکمان - را بسیار یادآوری کرده است. عطار در آثار خود تصویری آرمانی از نوع بشر ارائه داده است. او با تبیین آموزه‌های تعلیمی و عرفانی از طرق مختلف، موفق به ترسیم انسانی کامل و برتر شده و مخاطبان عام و خاص خود را برای رسیدن به آن مرتبه‌ی بشری ترغیب نموده است. عطار ضمن به کار بستن علوم بلاغی و به خصوص موارد موجود در علم بدیع (لفظی و معنوی) به خلاقیت‌هایی در ساخت جناس دست یافته است. برای عطار ساختن صرف «جناس» میان دو یا چند کلمه ملاک نیست، بلکه وی به کارکرد این عنصر بلاغی توجه دارد تا بتواند به تأثیرگذاری هر چه بیش‌تر سخن خویش در ابیات دست یابد و نشانه‌معناهای دستگاه فکری خود را بهتر نشان دهد.

با مطالعه‌ی اشعار عطار نیشابوری از منظر علوم بلاغی در مختارنامه، می‌توان به این نکته دست یافت که عطار از فنون بلاغی و صناعات ادبی صرفاً برای آرایش لفظ و آفرینش زیبایی سخن استفاده نکرده است؛ استفاده از آرایه‌های ادبی به ویژه جناس در مسیر بیان و انتقال هنری مفاهیم اخلاقی و عرفانی، خصوصیت سبک‌شناختی صور خیال و بلاغت در اشعار عطار است. این شاعر در صور خیال و به خصوص بدیع لفظی و معنوی اشعار عطار، در بخش انتقال مفاهیم اخلاقی و عرفانی خاص جهان‌بینی عطار، نوآوری و سبک شخصی شاعر را رقم زده است و از کلیشه‌گویی و تقلید و تکرار دور شده است. عطار تعمداً فنون بلاغی و ادبی را برای برجسته‌ترین مفاهیم و مقوله‌های طریقت و سلوک خویش به کار برده است و از کمترین امکان مباحث بیان و بدیع به بهترین شکل استفاده‌ی هنری و غیرتقلیدی کرده است.

در اشعار عطار نیز اخلاق و عرفان به یکدیگر آمیخته‌اند و در پاره‌ای اساساً به صورت واحدی درآمده‌اند و تفکیک آن‌ها از یکدیگر غیرممکن است. بازکاوی اشعار عطار می‌تواند پاسخ‌گوی مشکلات و بحران‌های انسان مدرن باشد. او مخاطب را به حرکت فرا می‌خواند و از او می‌خواهد که با «شدن»‌های پیاپی، رفتن به سوی کمال مطلق را آغاز کند. آنچه برای حل مشکلات و معضلات انسان معاصر بایسته است، عطار با هوش و فراست در طبله‌ی خود گرد آورده و به مشتاقان خود ارزانی می‌دارد.

فهرست منابع

۱. ثروت، منصور (۱۳۷۸)، گنجینه‌ی حکمت در آثار نظامی، تهران: امیر کبیر.
۲. حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۹۰)، انسان کامل در نگاه عطار، تهران: آوای نور.
۳. رضایی، پروین (۱۳۹۹)، «محو در محو و فنا اندر فنا؛ شبکه‌ی مؤلفه‌های معنایی مرگ و فنا و نیستی در غزل عطار از دیدگاه زبان‌شناسی ساختارگرا»، پژوهش‌های ادب عرفانی، دانشگاه اصفهان، سال سیزدهم، شماره‌ی سوم، پیاپی ۴۳، صص ۱-۲۲.
۴. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، آشنایی با نقد ادبی، تهران: سخن.
۵. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، زبور پارسی (نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار)، تهران: آگه.
۶. شمس قیس رازی (۱۳۵۷)، المعجم فی معاییر اشعار عجم، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: کتابفروشی تهران.
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، بیان، تهران: فردوس.
۸. عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۷۵)، مختارنامه، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
۹. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.
۱۰. فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.
۱۱. فشارکی، محمد (۱۳۹۸)، نقد بدیع، تهران: سمت.
۱۲. کیایی، فاطمه (۱۴۰۱)، «دگردیسی نمادها در مختارنامه با رویکرد مقایسه‌ای در منطق الطیر»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران.
۱۳. محبتی، مهدی؛ ولئی، قربان؛ مؤمنی هزاوه، امیر و شکوفگی، حامد (۱۳۹۷)، «رباعی‌روایی در مختارنامه‌ی عطار نیشابوری»، دوفصلنامه‌ی علمی-پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، سال دهم، شماره‌ی ۱۸، بهار و تابستان ۹۷، صص ۱-۲۷.
۱۴. نفیسی، سعید (۱۳۲۰)، جست و جو در احوال عطار نیشابوری، تهران: اقبال.